

آموزش مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان

□ سید عباس موسوی *

□ سید علی رضوی **

□ سید علی موسوی ***

چکیده

حضور کودکان در خارج از خانه - گاهی در محیط خانه - به دلیل ضعف جسمی، روانی و شناختی که دارند، همواره با مخاطراتی مواجه هستند. از دغدغه‌های مهم و غیرقابل اغماض والدین و مربیان، سوء استفاده منابع دینی - قرآن، روایات و عقل - حکم آموزش مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج این تحقیق، ادله عام و خاص بر رجحان الزامی «تعلیم جنسی دیگران از کودکان است. هر نوع فعل و انفعال جنسی که کودکان از آنها احساس ایذاء جسمی، جنسی و روانی کند، سوء استفاده جنسی قلمداد می‌گردد. پژوهش‌های اندکی به این مسأله پرداخته‌اند و اطلاعات کمی در این زمینه موجود است که جوابگوی دغدغه‌های علمی و پژوهشی اولیای کودکان نیستند؛ از این رو، این تحقیق در راستای جبران خلاء پژوهشی موجود و رفع نگرانی‌های دانشی والدین و مربیان و نهادهای متولی امر تربیت، به روش اجتهادی و به سبک کتابخانه‌ای با تکیه بر تحفظ عورت از دیده شدن»، «عدم مباشرت با عورت کودکان بعد از شش سالگی»، «حرمت نگاه به عورت دیگران و کودکان»، «پرهیز از بوسیدن لب‌ها و گونه‌های کودکان [با قصد ریه]»، «احتراز از در آغوش گرفتن و بوسیدن دختران نامحرم بالای شش سال» و «تفریق مضاجع کودکان از ده سالگی» دلالت دارند. **کلیدواژه‌ها:** تعلیم و تربیت، آموزش جنسی، سوء استفاده جنسی، تجاوز جنسی، کودک، کودک‌آزاری، فقه تربیتی.

* دکترای فقه تربیتی، مجتمع عالی آموزش فقه جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمية (mosavi58@chmail.ir).

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمية (نویسنده مسئول)
(has.mosavi@gmail.com).

*** دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمية (syedmahdi_hashemi@miu.ac.ir).

بیان مسئله

سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی، هر نوع رفتار جنسی اجباری یا تحقیر جنسی است. صاحب‌نظران بین سوءاستفاده جنسی درون خانوادگی و سوءاستفاده جنسی برون خانوادگی تمایز قایل شده‌اند. معمولاً دختران بیشتر از پسران مورد سوءاستفاده‌های جنسی درون خانوادگی و برون خانوادگی قرار می‌گیرند (باچر، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۵۹). هرچند به دلیل پنهانی بودن سوءاستفاده جنسی تشخیص درست میزان همه‌گیر شناسی آن تا حدودی مشکل است. در شرایط امروزی، مخاطره‌ها و تهدیدهای جنسی مختلفی از ناحیه محیط پیرامونی - رسانه‌ها، دوستان، نزدیکان، مدرسه و اجتماع - کودکان ضعیف [در ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری] را احاطه کرده است. ضعف کودکان در سایه ناآگاهی، بی‌توجهی و بی‌نظارتی والدین و مربیان، «سلامت جنسی» (Sexual health) آنان را در معرض آسیب‌های جدی قرار خواهد داد. از این رو، برای رفع و دفع تهدیدها و لطمه‌های جبران‌ناپذیر جنسی از کودکان، لازم است راه‌کارهای مقابله‌ای اتخاذ گردد. از مهم‌ترین راه‌کارها، تعلیم «شیوه‌های محافظت از خود در برابر سوء استفاده‌های جنسی» به کودکان است (انصاری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳). از آنجایی که کودکان در ساحت‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری دچار ضعف و در معرض آسیب‌های مختلفی هستند؛ آموزش این روش‌ها به آنان، مهارت و توانمندی مواجهه صحیح و محافظت از خود در برابر انواع سوء استفاده‌های جنسی را در آنان رشد می‌دهد. سوءاستفاده‌های جنسی در دوران کودکی، می‌تواند در روابط جنسی آینده آنان تأثیر منفی داشته باشد. در واقع، هر نوع بهره‌کشی جنسی می‌تواند برای قربانیان عواقب کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشد (باچر، ۱۳۸۷، ص ۳۵۹). بر اساس پژوهش لدرمن (Lederman)، چان (Chan)، روبرتز - گری (Roberts-Gray) (۲۰۰۸)، درگیر شدن والدین در مداخلات درمانی امور جنسی، می‌تواند اثر مثبتی بر دانش و نگرش آن‌ها درباره رفتارهای پرخطر جنسی داشته باشد (لدرمن، ۲۰۰۸، ص ۱۳۷-۱۴۳). خنجری و همکاران نیز در مطالعه‌ای «تأثیر برنامه آموزش پیشگیری از سوء رفتار جنسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد والدین کودکان سنین مدرسه» را مورد ارزیابی قرار دادند. در این پژوهش تأکید شده است که «کودک آزاری جنسی» (pedophilia) به دلیل تأثیرات عمیق بر رشد و شخصیت کودک به عنوان یکی از اولویت‌های مسایل بهداشتی و درمانی در کشورهای مختلف

جهان مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور، آموزش برنامه‌های پیشگیری از کودک آزاری جنسی می‌تواند منجر به افزایش آگاهی و بهبود عملکرد والدین شود (خنجری، ۱۳۹۵، ص ۱۷-۲۷). با اینکه کودکان در معرض تهدیدهای گوناگونی قرار دارند؛ ولی «کودک آزاری جنسی» مهم‌ترین مخاطره‌ای است که کودکان با آن مواجهه هستند. از مصادیق کودک آزاری جنسی که تهدید جدی برای سلامت جنسی کودکان است، اختلال «پدوفیلیا» (pedophilia) یا میل جنسی به کودکان [بچه‌بازی] است (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۵). این اختلال، معمولاً میل شدید جنسی یا تحریک جنسی مداوم نسبت به کودکان ۱۳ سال به پایین - نابالغ - است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ص ۸۳۳). افراد مبتلا به این اختلال - غالباً خودشان در دوره کودکی، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، حداقل ۱۶ سال سن دارند و دست‌کم ۵ سال از قربانیان بزرگترند (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۵-۳۴۷).

بر اساس چاپ چهارم کتابچه تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-IV، سیر اختلال پدوفیلیا [بچه‌بازی] معمولاً مزمن است [حداقل یک دوره ۶ ماهه]، بویژه در افرادی که نسبت به کودکان پسر، تمایل جنسی دارند. همین‌گونه، بروز عمل یاد شده در بین افرادی که کودکان پسر را ترجیح می‌دهند، تقریباً دو برابر کسانی است که به کودکان دختر متمایل‌اند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ص ۸۳۳). هرچند، این اختلال در مردان رایج‌تر از زنان است و معمولاً افراد مبتلا به این بیماری به هر دو جنس میل دارند (ر.ک: روزنهان، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸-۱۸۰).

با اینکه در منابع لاتین، شیوه‌های محافظت کودکان از خود در برابر سوء استفاده‌های جنسی پژوهش صورت گرفته است؛ اما منابع داخلی و اسلامی آموزش مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده جنسی را به کودکان با رویکرد فقهی مطمح نظر نداشتند. از این‌رو، این تحقیق در راستای جبران خلاء پژوهشی و نیز حکم‌یابی برای این نوع آموزش، با روش اجتهادی صورت خواهد گرفت.

پیشینه

با استقرای صورت گرفته، در خصوص آموزش مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده جنسی به کودکان، تحقیقی به چاپ نرسیده است. البته رساله دکتری موسوی با عنوان «تعلیم آموزه‌های

جنسی از دیدگاه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورت اجمالی به بخشی از ادله تعلیم مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده جنسی به کودکان اشاره کرده است (موسوی، ۱۴۰۰). زوایای آموزشی و یا شیوه‌های محافظت از سوء استفاده جنسی به کودکان در ذیل مجموعه‌های توصیفی و تجویزی در منابع تعلیم و تربیت، به صورت پراکنده بیان شده است؛ اما تحقیقی مستقل، جامع و با رویکرد فقهی، به فرجام نرسیده است. از این رو، این پژوهش در راستای اثبات مدعای مسأله، به شیوه‌ای بدیع و مسأله‌محور که جنبه نوآوری این تحقیق است، بحث را دنبال خواهد کرد.

مفهوم‌شناسی

۱- کودک

در لغت برای واژه «کودک»، واژگانی نظیر: طفل، کوچک، صغیر، بچه (خواه پسر باشد یا دختر) و نیز فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است، به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۱۸۶۸۸). در زبان قرآن، روایات و متون فقهی واژگانی نظیر: «طفل»، «صبی»، «صغیر»، «مُراهِق»، «حَدَث» و گاهی «غلام»، معادل کلمه «کودک» بکار رفته است؛ اما در اصطلاح فقها، کودک در معنایی متقابل با بلوغ به کار رفته است (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۹۸). به عبارت دیگر، صغیر [کودک] «کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۶). بر اساس این تعریف، «دوران تمییز» که بین دوران کودکی و بلوغ قرار دارد [کودک خوب و بد را تشخیص می‌دهد] (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۹۴) و مرحله کوتاهی قبل از سن تکلیف [بلوغ شرعی] است (متقی فر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹)؛ مرحله نهایی از دوره کودکی است - نه نوجوانی - که معمولاً بلوغ جنسی زودرس در همین دوران تمییز اتفاق می‌افتد (موسوی، ۱۳۹۹، فصل اول).

البته اکثر فقها دوران کودکی را به دو بخش، صبی غیر ممیز [هفت سالگی] (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۱) و صبی ممیز [تا آغاز بلوغ] تقسیم کرده‌اند. «کودک ممیز» نیز بر دو قسم است: کودک غیر «مُراهِق» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۶۷) و کودک «مُراهِق» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۵۰) در واقع، «مُراهِق» کودکی است که تمییز قوی‌تری دارد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۹۶) و به جهت عقل و درک و مورد

اعتماد بودن در جامعه به نوعی شبیه بالغ است. هرچند عده‌ای بر آن هستند که سن تمییز نسبت به هر کودک با توجه به ادراک و قوه فهم او متغییر بوده و همانند سایر قوای مختلف حیاتی به تدریج کامل می‌گردد (همدانی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹-۱۷۴).

با توجه به قابلیت یادگیری کودکان، در این سنین، همان‌گونه که مفاهیم و آموزه‌های دینی با ارائه راه‌کارهای دقیق علمی به کودکان قابل آموزش است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱)؛ می‌توان آموزه‌های جنسی متناسب با این دوره را تعلیم داد. از آنجایی که در انسان، تمایل جنسی از بدو تولد وجود دارد و با علائم خفیف‌تری از حدود ۳-۵ سالگی، کنجکاو‌های جنسی شروع می‌شود (فروید، ۱۴۴۳، ص ۱۶۲)؛ تعلیم صحیح و به‌هنگام برخی از آموزه‌های جنسی می‌تواند از فساد، انحراف، اختلال و نابهنجاری‌های جنسی در دوره‌های نوجوانی و جوانی جلوگیری کند. از این‌رو، برخی از علمای تربیت معتقدند: «اگر آموزش‌های جنسی به وسیله اولیا از کودکی آغاز شود و در نوجوانی تکمیل گردد، موفقیت نوجوانان در مقابله با این مشکلات بیشتر خواهد شد» (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۴۳-۷۶؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰-۱۷۰). برخی منابع فقهی معاصر نیز بر کلیت تعلیم و تربیت کودک در همان دوره کودکی تأکید کرده‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۳۲۷؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۰۵).

۲- آموزش جنسی

در تعریف «آموزش جنسی» دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. این اختلاف نظر، ناشی از نگاه‌های متفاوت به مفهوم و کاربست «تعلیم» و «تربیت» و نیز رویکردهای مختلف به تعلیم و تربیت جنسی و اهداف آن است (اعرافی، ۱۳۹۶، فصل اول). آموزش جنسی در نظرگاه مختار: «افزایش دانش، آگاهی و مهارت متربیبان و مخاطبان در امور جنسی و جنسیتی فرد، متناسب با اقتضات رشدی و موقعیتی آنان (مثل دوره نوجوانی)، به اندازه نیاز، در راستای تربیت و سلامت جنسی مبتنی با تعالیم دینی» است (ر.ک: موسوی، ۱۴۰۰ ش).

بررسی ادله آموزش مؤلفه‌های محافظت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان

در منابع فقهی، مصادیق زیادی برای سوء استفاده جنسی از کودکان بیان شده است؛ از آن

جمله می‌توان به زنا با صبی و صبیه، لواط با پسریچه، مساحقه با دخترریچه، تفخیز، بوسیدن لب و گونه‌های کودکان ممیز را اشاره کرد. تعلیم روش‌های مراقبت و محافظت از خود برای کودکان از این نوع سوء استفاده‌های جنسی، در راستای صیانت از سلامت جنسی آنان، مسأله‌ای ضروری است که رجحان آن مستند به ادله عامه و خاصه ذیل است.

۱- مقتضای ادله و قواعد عامه

تعلیم کودکان به مراقبت و تحفظ خود از انواع سوء استفاده‌های جنسی، بر اساس قاعده تعلیم وقایی، تعلیم جاهل، تعلیم تعاونی، قاعده هدایت، قاعده إحسان، قاعده امر به معروف و نهی از منکر، قاعده دعوت به خیر، قاعده علم نافع رجحان دارد (ر.ک: موسوی، ۱۴۰۰). هرچند از مقتضای روایت «در جایگاه نیکو قرار دادن فرزند» و نیز از مقتضای روایات «وظیفه‌مندی والدین» و «تعلیم حلال و حرام احکام» نیز رجحان این مسأله افاده می‌گردد. از آنجایی که سوء استفاده‌های جنسی در قالب گناهان جنسی تعریف می‌شوند، صیانت فرزندان از هر طریقی به‌ویژه تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت خودشان در برابر این تهدیدات، به مقتضای ادله و قواعد عامه مذکور رجحان الزامی دارد.

۲- دلیل عقلی

یکی از قواعد مورد قبول عقلا، قاعده «دفع ضرر محتمل» است. بر اساس این قاعده، عقل حکم می‌کند که نه تنها از ضررهای حتمی و مظنون، بلکه از ضررهای احتمالی باید دوری کرد. (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۲۳، ص ۳۴۳؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۶؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۹؛ طباطبایی بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۵۶۹) بر پایه دلیل عقلی لزوم «دفع ضرر محتمل» [سوء استفاده جنسی از کودکان]، می‌توان بر رجحان الزامی تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت از خود برای کودکان حکم کرد.

علاوه بر ادله و قواعد عامه و دلیل عقلی، می‌توان برای رجحان تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان به ادله خاصه - کتاب و سنت - استناد کرد. هرچند این ادله به صورت مستقیم بر تعلیم این آموزه‌های جنسی دلالت ندارند؛ ولی موضوع آنها بر این مسأله دلالت دارند و در این راستا قابل استناد هستند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

۳- قرآن کریم

آیات مربوط به: «تعلیم وقایی»، «تعلیم جاهل»، «تعلیم تعاونی»، «هدایت» و «إحسان» و نیز آیات ۳۰-۳۱ از سوره مبارکه نور، بر لزوم مراقبت از کودکان در برابر هر نوع مخاطره‌ای دلالت دارند (ر.ک: موسوی، ۱۴۰۰). از کلیت و موضوعیت این آیات می‌توان بر لزوم تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان استفاده کرد که به دلیل توضیحات گذشته، از بیان مجدد آنها خودداری می‌گردد.

۴- روایات

درباره رجحان «تعلیم تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی» به کودکان، روایات به خصوصی وارد نشده است؛ ولی از مفاد برخی از روایات می‌توان رجحان - الزامی و غیر الزامی - تعلیم مراقبت و تحفظ از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان را افاده کرد. به عنوان مؤید ادله سابق، می‌توان به مجموعه‌ای از روایات در راستای اثبات مدعا - رجحان تعلیم مراقبت و تحفظ از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان - استناد کرد.

۱-۴. روایات مربوط به «تعلیم تحفظ عورت از دیده شدن» که بر ضرورت تعلیم عفت ورزی جنسی به کودکان در راستای حفاظت از برخی از اختلال‌ها و انحرافات جنسی دلالت دارند. از کلیت و موضوعیت این دسته از روایات می‌توان در جهت لزوم تعلیم تحفظ و مراقبت از سوء استفاده جنسی به کودکان نیز استفاده کرد.

۲-۴. ادله حرمت نگاه به عورت دیگران، - مخصوصاً کودکان ممیز - بر لزوم تحفظ نگاه کودکان از دیدن عورت دیگران، دلالت داشتند (موسوی، ۱۴۰۰). از آنجایی که بسیاری از انحرافات و اختلال‌های جنسی متوقف بر نگاه کردن و دیدن است؛ می‌توان با استناد به این ادله، لزوم تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی را استفاده کرد.

۳-۴. ادله عدم مباشرت با عورت کودکان بعد از شش سالگی: این دسته از روایات، بر نهی و عدم دستکاری و مباشرت با عورت کودکان - بعد از ۶ سالگی - (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۱۶۸-۱۷۲)، به منظور پیشگیری از تحریک جنسی و انحرافات مترتب بر آن، دلالت دارند.

(ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص ۸۴۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۸۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۲۰) به عنوان نمونه به روایت ذیل اشاره می‌گردد:

روایت محمد بن یحیی: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْخَزَّازُ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْتِهَاجًا إِذَا بَلَغَتْ سِتًّا سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الزَّوْنِ.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۰) بررسی سندی: «محمد بن یحیی خزاز» (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۴ و ۳۵۹؛ حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۸) و «غیاث بن ابراهیم» (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۰۵) ثقة‌اند؛ اما سند این روایت به خاطر عدم ذکر طریق «محمد بن یحیی» در مشیخه شیخ صدوق علیه السلام نامعتبر است.

بررسی دلالتی: بر اساس این روایت، دست زدن و ملامست با آلت دختر شش ساله مخصوصاً در هنگامه حمام کردن و دستشویی، نهی شده است. از آنجایی که غالباً چنین کارهایی به وسیله مادر صورت می‌گیرد، روایت به این نکته تأکید دارد که بعد از شش سالگی دختر بچه از این کارها اجتناب کنید. در مفهوم و مراد از مباشرت در این روایت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

۱- در «انوار اللوامع» نیز مقصود از مباشرت، مباشرت با آلت کودک دانسته شده است (بحرانی آل‌عصفور، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۶۸)؛

۲- آیت الله «زنجانی» در «کتاب نکاح» هم در تعلیل اختصاص حکم به مباشرت با آلت بچه، به دو احتمال اشاره می‌کنند: «این معنا، با معنای لغوی (مباشرت) متقارب و با حکم آن که «شعبة من الزنا» است، تناسب دارد؛ زیرا این کار از مقدمات مجامعت حرام است که تنزیلاً زنا به حساب آمده است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۲۰)؛

۳- مرحوم بروجردی علیه السلام در ذیل این روایت آورده است: «لا يخفى ما فى هذه الرواية فان مباشرة المرأة ابنتها ليست بحرام إلا ان يكون المراد المساحقة ولا يبعد أن يكون صحيحه مباشرة المرء ابنته أو مباشرة المرأة ابنتها» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۶۴۶). در واقع، ایشان مباشرتی که جنبه مساحقه داشته باشد را مراد از حرمت در این روایت برشمرده است؛ در دلالت این روایت، نکات ذیل حائز اهمیت است.

۱- با این که روایت به تماس نداشتنِ مادر [مباشرت] با مواضع خاص دختر بچه شش ساله اشاره دارد؛ اما این امر شامل پدر و پسر نیز می‌شود؛ به این معنا که پدر نیز ملزم به اجتناب از تماس با مواضع خاص دخترش است. همچنین پدر و مادر باید از تماس با مواضع خاص پسر بچه شش ساله اجتناب کنند. همچنین این حکم شامل دیگر افراد نیز می‌شود؛ به عبارت دیگر: از این روایت، یک حکم کلی را می‌توان استخراج کرد و آن «عدم جواز تماس با آلات تناسلی کودکان بعد از شش سالگی از سوی همه افراد» است؛ از این رو، این روش تربیتی، عام است و فقط شامل مادر و والدین نمی‌شود. در دلیل این تعمیم می‌توان به «اولویت» اشاره داشت. با این توضیح که: وقتی مادر ملزم به اجتناب از تماس با مواضع خاص دختر بچه است، به طریق اولی پدر و دیگر زنان و مردان نیز ملزم به چنین اجتنابی می‌باشند.

همچنین با «تنقیح مناط» نیز می‌توان به تعمیم این حکم قائل شد؛ زیرا معیاری که در لزوم اجتناب مادر از تماس با آلت دختر بچه شش ساله است، پیشگیری از تحریکات و انحرافات جنسی است و این امر در دیگر افراد، اعم از پدر و زنان و مردان دیگر نیز جریان دارد؛ چنان که در طرف دیگر، درباره پسر بچه نیز جریان دارد. در واقع، ذکر حکم در رابطه مادر با دختر بچه به دلیل انحصار حکم نیست؛ بلکه تأکید بر ترک کاری است که غالباً به وسیله مادر نسبت به دختر انجام می‌شود.

۲- تعبیر «شُعْبَةٌ مِنَ الزَّوْنِ» این عمل را تعبداً زنا برمی‌شمارد. بنابراین، از نظر دلالتی، این روایت بر حرمت مباشرت با آلت بچه پس از شش سالگی دلالت می‌کند.

۳- به طور قطع، مورد حکم در جایی است که هیچ‌گونه قصد ملاحظه و گناه در تماس با آلت کودک نیست؛ زیرا در صورت چنین قصدی، قطعاً مرتکب حرام می‌شود و بنا به دلالت ادله قطعی و ادله عام و خاصی که گذشت، شبهه‌ای در حرمت آن نیست؛ آنچه در این روایت مورد تأکید است، دوری از تماس با آلت کودک برای پیشگیری از انحرافات جنسی اوست.

پس این روایت از لحاظ دلالتی بر وجوب اجتناب والدین و تمام افراد دیگر از تماس با عورت کودک بعد از شش سالگی دلالت دارد؛ اما سند روایت، ضعیف است و نمی‌توان حکم فقهی از آن استخراج کرد.

۴-۴. روایاتی که بر پرهیز از بوسیدن لبها و گونه‌های کودکان - با قصد ریه - دلالت دارند: این دسته از روایات، بر عدم تحریک جنسی کودکان از طریق خاص - بوسیدن لبها و گونه‌ها - تأکید دارند. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۸۶؛ راوندی کاشانی، بی‌تا، ص ۱۹) البته بوسیدن لبها و گونه‌های محارم غیرهمجنس اگر با قصد ریه نباشد، اشکالی ندارد. (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۱۷۲-۱۷۶)

۵-۴. دسته‌ای دیگر از روایات (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص ۸۴۵-۸۵۰)، بیانگر «احتراز از در آغوش گرفتن و بوسیدن دختران نامحرم بالای شش سال» است: (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۱۷۶) البته این مسأله درباره دختران نامحرم است و در آغوش گرفتن و بوسیدن کودکان محرم، به‌ویژه دختر خود شخص، مورد نهی نیست. به عنوان نمونه، فقط به روایت ذیل اشاره می‌گردد:

۴-۵-۱. موثقه یحیی بن کاهلی: «رَوَى عَبْدَاللهُ بْنُ يَحْيَى الْكَاهِلِيُّ قَالَ: سَأَلَ أَحْمَدُ بْنُ النُّعْمَانِ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ عِنْدِي جَوَابٌ لَيْسَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا رَحِمٌ وَ لَهَا سِتُّ سِنِينَ قَالَ: لَا تَضَعُهَا فِي حَجْرِكَ.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۶۱)

بررسی سندی: تمام زوات: «علی بن حسین بن بابویه» (پدر شیخ صدوق)، «سعد بن عبدالله»، «احمد بن محمد بن عیسی اشعری»، «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی» و «عبدالله بن یحیی کاهلی»، توثیق شده‌اند. (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۲، ۴۲، ۳۵۱، ۳۳۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۲، ۱۷۸، ۵۹، ۸۳، ۷۵، ۲۲۲؛ کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۹۶، ۴۰۲، ۴۴۸؛ طوسی، بی‌تا، ص ۲۱۶، ۶۱)؛ البته این روایت در «کافی» نیز با اندکی تفاوت در عبارت، نقل شده که به علت عدم توثیق «ابو احمد کاهلی» سند آن ضعیف می‌باشد. (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۵۳۳)

بررسی دلالتی: در این روایت، در دامن نهادن دختر بچه‌ای که به شش سالگی رسیده، نهی شده است. تعبیر «لَا تَضَعُهَا عَلَيَّ حَجْرِكَ»، بر عدم جواز قراردادن دختر بچه در آغوش دلالت می‌کند. درباره حکم مسأله با توجه به موضوع [بوسیدن و در آغوش گرفتن] دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است:

۱- حرمت در آغوش گرفتن: آیت‌الله «زنجان» با توجه به مفاد این موثقه، فقط به حرمت

آغوش گرفتن دختر بچه نظر داده و مستفاد از این روایت را حرام نبودن بوسیدن بدون قصد شهوت می‌داند. (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۱۰)

۲- عدم جواز در آغوش گرفتن و بوسیدن: برخی معتقدند با توجه به این که در آغوش گرفتن غالباً ملازم با بوسیدن است، این روایت بر جایز نبودن بوسیدن نیز دلالت می‌کند. (سبحانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۴) در واقع بنا به این قول، جایز نبودن در آغوش گرفتن به طریق اولی بر جایز نبودن بوسیدن نیز دلالت دارد. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص ۷۴۹-۸۴۷؛ سبحانی، همان) مرحوم خوئی رحمته‌الله درباره نقل مرحوم کلینی در کافی (که سندش ضعیف است)، آورده است: «چون تقبیل و حمل در سؤال سائل ذکر شده و امام علیه‌السلام در پاسخ فقط حکم در وضع در حجر را ذکر کرده‌اند، از حرمت در دامن قرار دادن، اولویت حرمت تقبیل و حمل دختر بچه استفاده می‌شود؛ ولی درباره صحیحه مرحوم صدوق در کتاب «الفقیه» که امام علیه‌السلام فرموده‌اند: «لا تضعها فی حجرک»، نمی‌توان ادعای اولویت کرد؛ زیرا تقبیل و حمل در سؤال سائل درج نشده است.» (موسوی خوئی، ۱۴۳۸، ج ۳۲، ص ۷۳)

آیت الله زنجانی اولویت در نقل «الکافی» را قبول ندارد و در این خصوص بیان داشته است: «جواز تقبیل، مطابق اصل است؛ چون عموم یا اطلاقی نیست که تقبیل هر غیر مکلفی را ممنوع سازد. بنابراین، طبق اصل برائت، حکم به جواز می‌گردد. پس در دامن نهادن دختر بچه نامحرم شش ساله جایز نیست؛ ولی بوسیدن وی اگر از روی شهوت نباشد، مانعی ندارد.» (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۱۰)

بر اساس نظرگاه مختار، این روایت، بر جایز نبودن در آغوش گرفتن دختر بچه شش ساله دلالت دارد. هرچند، احتمال اولویت یا حتی الغای خصوصیت نسبت به جایز نبودن بوسیدن وجود دارد؛ اما بعید به نظر می‌رسد.

در این روایت، در آغوش گرفتن مورد نهی است و یا مطلقاً در آغوش گرفتن؟ در جواب باید اذعان کرد که ممکن است درباره در آغوش گرفتن، نکته‌ای مثل امکان تحریک باشد که امام علیه‌السلام به آن اشاره دارد؛ پس در تعمیم آن جای تردید است.

در واقع، اولویتی که برخی فقها مبنی بر حرمت این نوع بوسیدن نیز ذکر کرده‌اند، مُحَرَز نیست؛ زیرا وجه اولویت نه تنها معلوم نیست؛ بلکه شاید در آغوش گرفتن، مفاسدی داشته

باشد که در بوسیدن نیست. با توجه به عبارت «لَيْسَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا مَحْرَمٌ» معلوم است که این حکم درباره دختر نامحرم است؛ و در غیر این صورت، در آغوش گرفتن، در دامن نهادن و بوسیدن محارم نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه مستحب است؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۶) از این رو سخن برخی از علماء که دلالت این روایت را به محارم نیز تعمیم داده‌اند، (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ص ۱۱۶) مورد قبول نیست.

در نتیجه، این روایت فقط به حرمت در آغوش گرفتن دختر بچه شش ساله نامحرم، دلالت دارد. فقهاء معاصر مانند: مرحوم خوئی رحمته الله پس از اشاره به این که ظاهر موثقه «یحیی کاهلی» حرمت است، در دلالت نداشتن آن بر حرمت، چنین استدلال کرده است:

اگرچه ظاهر روایت حرمت است؛ اما با توجه به عدم تعرض فقیهان به این حرمت در کلامشان و عدم ورود این حرمت در غیر از این روایت، با وجود کثرت ابتلای به آن، همانا حکم الزامی نیست؛ پس چاره‌ای جز حمل روایت بر کراهت و بیان حکم اخلاقی نیست. مؤید این کراهت، این است که اگر حکم به حرمت ثابت بود، از آشکارترین واضحات بود؛ به خاطر زیادی ابتلای به آن همان طور که گذشت. چگونه می‌توان حکم به حرمت کرد، در حالی که سیره مسلمین، قائم بر جواز بود (موسوی خوئی، ۱۴۳۸، ج ۳۲، ص ۷۲).

آیت الله حکیم در «مستمسک العروة الوثقی» و آیت الله سبزواری در «مهذب الأحكام» نیز به کراهت این امر نظر داده‌اند. (ر.ک. طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ج ۱۴، ص ۴۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۴۸) تعبیر آیت الله اشتهاردی در «مدارک العروة»، «استحباب ترک تقبیل» است (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ص ۱۱۷)؛ اما در «سند العروة الوثقی» (سند بحرانی، ۱۴۲۹، ص ۶۴) و «أنوار الفقاهة» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳) حرمت این کار مطرح شده است. حضرات آیات زنجانی و روحانی بر اساس موثقه یحیی کاهلی، فقط به حرمت در آغوش گرفتن دختر بچه نظر داده است. (شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۲۲؛ روحانی قمی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۱۲۷) برخی دیگر، دلالت این روایات بر حرمت را از باب کثرت روایات و وحدت مضامین آن‌ها می‌دانند که به اطمینان صدور منجر می‌شود. (ر.ک. جمعی از محققین، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۴۸) در «دلیل تحریر الوسيلة» نیز چنین استدلالی آمده است؛ اما پس از احتمال ادعای جریان سیره قطعی متشرعه بر خلاف ظاهر این نصوص، نظر به احتیاط آمده است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۲۶)

به نظر می‌رسد سخن مرحوم خوئی رحمته‌الله از قوت برخوردار است و نمی‌توان به حرمت نظر داد؛ از این رو حتی در دامن‌نشاندن که در موثقه یحیی کاهلی آمده بود، بر کراهت حمل می‌شود. بوسیدن نیز در چند روایت مورد توجه خاص قرار گرفته است که با توجه به تعدد روایات می‌توان به کراهت این امر نیز نظر داد.

بنابراین، با توجه به موثقه یحیی کاهلی و دیدگاه‌های فقهای معاصر، کراهت در دامن‌نهادن، در آغوش گرفتن و بوسیدن دختر بچه شش ساله نامحرم، اقوی است. البته بدیهی است که کراهت ذکر شده، منصرف به در دامن‌نشاندن، در آغوش گرفتن و بوسیدن بدون قصد ربه و شهوت است و در صورت چنین قصدهایی، با توجه به ادله دیگری که حاکم بر این ادله‌اند، این کار، حرام خواهد بود؛ چنان‌که در «دلیل تحریر الوسیله» هم آمده است: تا جایی که «حکیم» در «مستمسک العروة» ادعای اجماع در این صورت را دارد. (طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱، ج ۱۴، ص ۴۲) علاوه بر این، قدر متیقن از این ادله، کراهت در آغوش گرفتن و بوسیدن دختر شش ساله است و صرف نوازش و دست‌زدن به وی کراهت ندارد؛ چنان‌که صاحب جواهر رحمته‌الله نیز این امر را به این دو مورد محدود کرده و تعمیم به دیگر موارد از جمله جواز نظر را روا ندانسته است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۸۴) ضمن این‌که بوسیدن از روی لباس و چادر را نیز شامل نمی‌شود.

۴-۶. روایات دال بر تفریق مضاجع:

مهم‌ترین دلیلی که می‌توان به عنوان مؤید رجحان تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان ارائه نمود، «تفریق مضاجع» [جدا کردن محل خواب] است که در روایات زیادی بدان تأکید شده و در منابع فقهی به آن پرداخته شده است. (ر.ک: موسوی خوئی، ۱۴۳۸، ج ۳۲، ص ۸۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۵۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۹۵۵؛ جمعی از محققین، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۴۹۲) این روش تعلیمی، عملی و پیشگیرانه است و روایات مربوط به آن، به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۴-۶-۱. روایاتی که ده سالگی را ملاک تفریق مضاجع کودکان بیان داشته‌اند. (ر.ک: کلینی،

۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۶؛ همان، ج ۷، ص ۶۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۳۹) به عنوان نمونه به

روایت ذیل استشهاد می‌گردد:

صحیحہ عبداللہ بن میمون: «عبداللہ بن میمون عن جعفر بن محمد عن ابيه عن ابيہ قال: قال رسول اللہ ﷺ: «الصبي والصبي والصبي والصبي والصبي يفرق بينهم في المصاحح لعشر سنين.» (شيخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۶؛ حر عاملي، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۱؛ شيخ طوسي، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۸۳)

بررسی سندی: علاوه بر توثیق «عبداللہ بن میمون قداح» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۸)، طریق شیخ صدوق رحمۃ اللہ علیہ به این راوی، دو طریق است که راویان هر دو طریق، ثقہ اند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۵۰۰) در نتیجه، این روایت دارای سندی معتبر و موثقی است.

بررسی دلالتی: در این روایت، پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ وسلم به جداسازی بستر کودکان پس از ده سالگی تأکید کردند. با توجه به این که جمله مضارع (يَفْرُقُ) در مقام انشاء است، وجوب را افاده می کند؛ از این رو، روایت بر وجوب جداسازی بستر کودکان پس از ده سالگی دلالت می کند. علاوه بر این، روایت بر لزوم جداسازی بستر میان هر دو جنس مذکر و مؤنث بدون ذکر مسأله محرمیت و نامحرمیت اشاره کرده و از این جهت، تفاوتی قائل نشده است. در نتیجه، جنسیت و محرمیت کودکان در جداسازی بستر آنان دخالت ندارد.

عبارت «يَفْرُقُ» به صورت مجهول ذکر شده است. هر چند فاعل آن می تواند خود فرزند باشد؛ ولی ظهور غالبی و متبادر مفهومی آن و نیز قرینه تقیید «بینهم» بر «فارق [جدانکنده]» دیگری دلالت دارد. حتی اگر با توجه با فضای روایت، ادعای انصراف به والدین شود؛ با تنقیح مناط می توان دیگران - که مکلف و ارتباط تربیتی با کودکان دارند - را شامل این حکم دانست و حکم را به آنان نیز تعمیم داد. بنابراین، خطاب عام است و علاوه بر خود فرزندان، متوجه والدین و مریبان نیز می باشد.

در این روایت، ابتدای تفریق مضاجع - ده سالگی - بیان شده؛ ولی به انتهای آن اشاره ای نشده است. درباره انتهای تفریق مضاجع که تا چند سالگی است، احتمالاتی ذکر شده است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۱۱۲؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸)؛ اما به نظر می رسد با عنایت به واژگان به کار رفته در روایت - صبی و صبیبة منتهای دوره «صبابت [کودکی]» در لغت عرب، «سن تمیز» یا «سن بلوغ» است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۱۶۸؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص

۲۳۹۸: احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ص ۵۱۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۵) در نتیجه، گویا وجوب تفریق مضاجع تا دوران بلوغ است و این ادله درباره وظیفه والدین در جداسازی بستر فرزندان بالغ، نفیاً و اثباتاً ساکت است. هرچند بر اساس ادله دیگر مانند: امر به معروف و یا آیه وقایه، اگر خوفِ معصیت باشد، بر والدین واجب است تا بستر آنان را جدا کنند؛ البته با روش‌هایی که متناسب با رفتار با نوجوانان است.

درباره حکم مسأله تفریق مضاجع نیز احتمالات گوناگونی بیان شده است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۱۰۰؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴)؛ هرچند عبارت «یَفَرِّقُ» ظهور در وجوب دارد؛ ولی ارتکاز متشرعه، حمل آن بر وجوب را بعید می‌داند. البته این ارتکاز، حمل «یَفَرِّقُ» بر وجوب را در تمام موارد بعید نمی‌داند؛ بلکه به ظهور آن در وجوب در صورت فساد یا عریان خوابیدن نظر دارد؛ از این رو، می‌توان «یَفَرِّقُ» را بر جامع بین وجوب و استحباب حمل کرد. بنابراین، ظهور «یَفَرِّقُ» بر وجوب در موارد خوفِ فساد یا عریان خوابیدن تمسک می‌شود و در این موارد، به استحباب آن نظر داده می‌شود. به عبارت دیگر، در ارتکاز متشرعه در خوف فساد یا عریان خوابیدن، عدم وجوب جریان ندارد؛ پس تفریق مضاجع با «خوف فساد» یا «عریان خوابیدن»، واجب و در غیر این دو صورت، مستحب است.

در نتیجه، بر اساس این روایت، بر والدین واجب است که بستر خواب فرزندان [دختر و پسر] را از ده سالگی جدا سازند؛ خواه شخص جداشونده؛ همجنس باشد یا جنس مخالف؛ محرم باشد یا نامحرم؛ بزرگسال باشد یا نه؛ برهنه باشند یا با لباس.

۴-۶-۲. روایاتی که هفت سالگی را ملاک تفریق مضاجع کودکان بیان کرده‌اند.

به عنوان نمونه روایت ذیل: «عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ.» (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۳)

بررسی سندی: این روایات از طریق عامه نقل شده است؛ بنابراین، نامعتبرند.

بررسی دلالتی: این مجموعه روایات، فقط بر جداسازی بسترهای فرزندان در هفت سالگی دلالت دارند. ذکری از جداسازی بسترهای کودکان از بزرگترها و نیز جداسازی بسترهای مذکر و مؤنث از یکدیگر نشده است.

۳-۶-۴. روایاتی که شش سالگی را ملاک تفریق مضاجع کودکان بیان کرده‌اند.

«رُوی أَنَّهُ یَفَرِّقُ بَیْنَ الصَّبِّیَانِ فِی الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنَیْنٍ.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۱ و ج ۲۱، ص ۴۶۱؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۳)

بررسی سندی: این روایت، مرفوعه و ضعیف است.

بررسی دلالتی: در این روایت، بر خلاف روایات گذشته، جداسازی بستر کودکان پس از «شش سالگی» مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن، فقط به جداسازی بستر کودکان اشاره شده و درباره جداسازی بستر کودکان با بزرگ‌ترها اشاره‌ای نشده است.

به صورت خلاصه و کلی، بر اساس روایات دلالت‌کننده بر «تفریق مضاجع» که بین آن‌ها روایت صحیح‌السند نیز وجود داشت، جداساختن بسترها، مستحب است؛ مگر با خوف به فساد یا عریان‌خوابیدن؛ به عبارت دیگر در صورت خوف فساد یا عریان‌خوابیدن تحت مضجع واحد، تفریق مضاجع، واجب و در غیر این دو صورت، مستحب است.

بر بنیاد این دسته از روایات، فروعاً مسأله به صورت خلاصه و کلی در قالب گزاره‌های ذیل بیان می‌گردد:

- ۱- مقصود از «مضجع» در تفریق مضاجع، خصوص محل خواب است، نه مطلق اتاق خواب.
- ۲- وظیفه وجوبی یا استحبابی جداسازی بستر کودکان فقط وظیفه والدین نیست و هر شخص دیگری که ارتباط تربیتی بیشتری با کودک دارد، چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد.
- ۳- در این‌که ملاک در صدق «مضجع»، زیرانداز است یا روانداز، به تشخیص عرف، بستگی دارد و در موارد مختلف، فرق می‌کند.
- ۴- در تفریق مضاجع، عریان‌بودن، شرط است و در استحباب آن، شرط نیست.
- ۵- افزون بر جداسازی بسترهای کودکان از یکدیگر، جداکردن بستر خواب کودکان با بزرگسالان نیز مدنظر است.
- ۶- جنسیت کودک در این حکم، دخیل نیست و این امر در جداسازی بستر دو دختر بچه، دو پسر بچه و دختر بچه با پسر بچه، جریان دارد.

- ۷- جنسیت بزرگسالان نیز در تفریق مضاجع، دخیل نیست.
- ۸- در جداساختن محل خواب، محرم یا نامحرم بودن کودکان با یکدیگر، دخالتی در حکم ندارد. این امر در بزرگسالان محرم و نامحرم نیز فرقی ندارد.
- ۹- انتهای حکم تفریق مضاجع تا سن بلوغ است و پس از آن، از باب قواعد عام، تفریق مضاجع کودکان لزوم یا رجحان پیدا می‌کند.
- ۱۰- «تفریق مضاجع» تکلیف خود فرزند پیش از بلوغ نیست.
- ۱۱- استمرار جداساختن بستر، تکلیف والدین و مریمان است.

نتیجه

با توجه به ادله و قواعد عامه و نیز دلیل عقلی، تعلیم شیوه‌های محافظت و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان، ضرورت دارد. علاوه بر این ادله، دلایل قرآنی فراوانی از جمله آیه وقایه بر لزوم این تعلیم به کودکان تأکید دارند. از آنجایی که ادله روایی مستقیمی بر این مسأله یافت نگردید، از مفاد و دلالت روایاتی که بر رجحان - لزومی و غیر لزومی - تحفظ و مراقبت‌های جنسی کودکان تأکید داشتند بر اثبات مدعا [رجحان تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان] استشهاد گردید.

بر اساس ادله روایی: «تعلیم تحفظ عورت از دیده شدن»، «عدم مباشرت با عورت کودکان بعد از شش سالگی»، «حرمت نگاه به عورت دیگران و کودکان»، «پرهیز از بوسیدن لب‌ها و گونه‌های کودکان [با قصد ریه]»، «احتراز از در آغوش گرفتن و بوسیدن دختران نامحرم بالای شش سال» و «تفریق مضاجع کودکان از ده سالگی»، تعلیم روش‌های محافظت و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان، ضروری است.

بر مبنای ادله فوق، این‌گونه تعالیم به کودکان، توانایی و مهارت لازم را برای مواجهه و مقابله با هر نوع سوء استفاده جنسی برای آنان، فراهم می‌کند و از این طریق، راه را بر کودک آزاران جنسی و بیماران جنسی - مانند: پدوفیلیا - که به بهانه‌های گوناگون، از جمله ابراز محبت و صمیمیت، در جستجوی اهداف و امیال شیطانی خود هستند، خواهد بست.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تعلیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۳ق.
- اشتهاردی، علی پناه، مدارک العروة الوثقی، تهران: دار الأسوة للطباعة و الدرس، ۱۴۱۷ق.
- اعرافى، علیرضا، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، تحقیق: سید نقی موسوی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ش.
- _____، فقه تربیتی (تربیت جنسی)، تحقیق و نگارش: احمد امامی راد، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ش.
- _____، فقه تربیتی (تربیت جنسی)، ج ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامی راد، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ش.
- انجمن روان پزشکی آمریکا (۲۰۰۰)، «خلاصه متن تجدید نظر شده چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی»، ترجمه: محمدرضا نیک خو، هامایک آوادیس یانس، تهران، نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- انصاری، سپیده، آگاهی بخشی به والدین و مراقبان کودک از کودک آزاری جنسی و راهبردهای پیشگیرانه و مقابله ای، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، سال هجدهم، شماره ۴ (پیاپی ۱۵۳)، ۱۳۹۷ش.
- باچر، جیمز، مینکا، سوزان، هولی، جیل، آسیب شناسی روانی، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۷ش.
- _____، بهداشت روانی زنان، ترجمه: خدیجه ابوالمعالی، تهران، ساوالان، ۱۳۸۹ش.
- بحرانی آل عصفور، حسین بن محمد، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع، قم: مجمع البحوث العلمیه، بی تا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴ش.
- جمعی از محققین، «أحكام الأطفال»، قم: مرکز فقهی الأئمة الاطهار علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دار العلم للملایین،

۱۴۱۰ق.

حرام‌میلی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

حسینی روحانی قمی، سید محمدصادق، فقه الصادق علیه‌السلام، قم: مدرسه الامام الصادق علیه‌السلام، ۱۴۱۲ق.

حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، نهایة الاحکام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
خنجر، صدیقه و همکاران، تاثیر برنامه آموزش پیشگیری از سوء رفتار جنسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد والدین کودکان سنین مدرسه، نشریه پرستاری ایران، سال ۲۹، شماره ۱۰۴، ۱۳۹۵ش.
دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، تصحیح احمد صادقی اردستانی، قم: دارالکتاب، چاپ اول، [بی تا].

روز نهران، دیوید ال، سلیگمن، مارتین ای. پی، آسیب شناسی روانی، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۹۴ش.

سبحانی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۵ش
سند بحرانی، محمد، سند العروة الوثقی (کتاب النکاح)، قم: مکتبه فدک، ۱۴۲۹ق.
سیفی مازندرانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسیلة (احکام الستر و النظر) (احکام الأسرة)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۱۷ق.

شیرازی زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم: رای پرداز، ۱۴۱۹ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

_____، من لایحضره الفقیه (الفقیه)، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعة، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.

طباطبایی بروجردی، سید حسین، نهایة الأصول، تقریر: حسینعلی منتظری، قم: مطبعة الحکمة، ۱۳۷۵ش.

طباطبایی حکیم، سید محسن، حقایق الأصول، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ق.

_____، مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.

طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.

طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، قم، محمدتقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
_____، المبسوط فی الفقه الامامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية،
۱۳۸۷ق.

_____، كتاب الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۷ق.

_____، تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

_____، رجال الطوسي، نجف: حيدرية، ۱۳۸۱ش.

_____، الفهرست، نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.

عراقي، آقاضياء الدين، نهاية الأفكار، تقرير: محمدتقی بروجردی نجفی، تهران: انتشارات
اسلامي، ۱۴۱۴ق.

علامه حلي، حسن بن يوسف، الخلاصة (خلاصة الأقوال)، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

علامه مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، بيروت: دار إحياء
التراث العربي، ۱۴۰۳ق.

غروي اصفهاني، محمدحسين، فوائد الأصول، تقرير: محمدعلي كاظمي، تهران: انتشارات
اسلامي، ۱۴۱۴ق.

فاضل موحدي لنكراني، محمد، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، قم، مركز فقه الأئمة
الاطهار، ۱۳۸۳ش.

فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.

فرويد، زيگموند، سه رساله درباره تنوري ميل جنسي، ترجمه: هاشم رضی، تهران، مؤسسه
مطبوعاتي آسيا، ۱۳۴۳ش.

فقيهی، علی نقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث، قم: دار
الحدیث، ۱۳۸۷ش.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: مكتبة امير المؤمنين علی عليه السلام،
۱۴۰۶ق.

كشي، محمد بن عمر، رجال الكشي، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ش.

متقی فر، غلامرضا، درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی -
پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.

محدث نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه
آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

مصطفی همدانی، «تبيين مفاهيم فقهی (مميز) و (مراهق) در موازنه اقوال فقیهان با آیات و روایات»، دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.

مکارم شیرازی، ناصر، سلسله مباحث درس خارج فقه، کتاب النکاح، تهیه و تنظیم محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، تهذیب الأصول، [بی جا]: چاپ المنار، ۱۴۱۷ق.

_____، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳ق.

موسوی، سید عباس، بلوغ جنسی زودرس، قم، انصاریان، ۱۳۹۹ش.

_____، تعلیم آموزه‌های جنسی از نگاه فقه اهل بیت علیهم السلام، رساله دکتری، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمية، ۱۴۰۰ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

